

به نام خدا

از مجموعه نگاشته های "آن آشنا"

فرمانروای هستی

(گفتگوهایی درباره جهان بینی توحیدی)

فرمانروای هستی

بنما به ما که هستی

آنکه بگو که هستی؟

(۸۸) جامعه غریزی حیوانی (۲)

از آن آشنا پرسیدم:

- جوامع غریزی حیوانی چگونه پای به عرصه وجود می گذارند؟

پاسخ داد:

- در خصوص شیوه برپایی جوامع غریزی حیوانی، بین گفته های حاکمان آن ها و واقعیت، فرسنگ ها

فاصله است.

افزود:

- برخی از فرمانروایانِ جوامعِ غریزیِ حیوانی، گاه آشکارا گفته اند که خُدا، یا تَجَلّیِ خدا در زمین، هستند و یا این که، دستِ کَم،

از سویِ خداوند برای فرمانرواییِ برگزیده شده اند؛

و برخی دیگر،

خیالِ پردازانه، ادعا می کنند که تشکیلِ جامعه تحتِ امرِشان، حاصلِ انْعقادِ یک قَراردادِ اجتماعی بین

همهٔ اعضایِ آن بوده است،

و مُعتقدند که به همین دلیل،

ایشان را، باید، مُنتخب و موردِ قبولِ مردم دانست.

حال آن که در عالمِ واقع،

یک جامعهٔ غریزیِ حیوانی، هیچگاه، در نتیجهٔ یک قراردادِ اجتماعی - چه رَسْمی و چه ضِمْنی - پدید

نیامده، بلکه، همیشه، به شیوه ای وارونه و خلافِ آن پای به عرصهٔ وجود گذاشته است.

یعنی

این گونه جامعه، همواره، از طریقِ پیدایشِ خشونتِ آمیزِ یک هیئتِ حاکمهٔ اقتصادی و سیاسی و فرهنگی، و

چیرگی و فرمانرواییِ همه جانبهٔ آن ها، از طریقِ قَهْر و غَلَبه، بر یک گروهِ انسانی، در یک سرزمینِ مُعین شکل

گرفته است.

ادامه داد:

- آن محدوده جغرافیایی که در زبان فرمانروایان، کشور نامیده می شود، در واقع، همان سرزمین تحت سیطره هیئت حاکمه است.

آن کسانی که فرمانروایان، ایشان را ملت می نامند، و می کوشند تا آنان را، به هر شیوه، به ویژه با شعار وحدت و اتحاد، زیر فرمان خود نگه دارند، در واقع، همان مردم گرفتار شده در چنگ هیئت حاکمه اند.

و

آن چه که فرمانروایان، آن را منافع ملی می نامند، در واقع، همان برآیند اهداف و خواست های هیئت حاکمه است که، از سر مکر و نیرنگ، معمولاً به شکلی کلی و مبهم و تفسیرپذیر بیان می شود.

با تعجب پرسیدم:

یعنی می گوئید،

در یک جامعه غریزی حیوانی، حاکمان، به خاطر خود ملت، هیچ کاری انجام نمی دهند و دغدغه ای برای سامان یافتن امور مردم ندارند؟

پاسخ داد:

- واقعیت آن است که فرمانروایان چنین جامعه ای، برخلاف گفته هایشان، و نیز به رغم خوش خیالی های رایج در بین مردم، ساماندهی و رتق و فتق نیازها و امور ملت را از جمله وظایف خود نمی دانند.

البته

اینان، گاه، در گفتار، ریاکارانه، در این باره ادعاهایی را بر زبان می آورند و نیز، تنها آن جا که مجبور شوند، فریبکارانه، دست به برخی اقدامات نمایشی گذرا می زنند؛

اما،

این گروه، در کردار، مردم یک سرزمین را گروگان گرفته، ایشان را، در راستای مطامع و منافع پلید خویش، مورد استثمار قرار داده، و در صورت تمرد، سرکوب و منکوب می کنند.

گفتم:

- لطفاً بیشتر توضیح بدهید.

فرمود:

- دورویی و نفاق، شاخصه اصلی در اقوال و اعمال همه حاکمانی است که خود خوب می دانند که، به ناحق و غاصبانه، حکومت را در دست گرفته اند.

در یک جامعه غریزی حیوانی نیز،

گرچه شخص فرمانروا، در گفتار، کشور را خانه مشترک همه مردم و خودش را سرپرست دلسوز خانوار

می نامد،

ولی،

در کردار، خود را مالک آن سرزمین و صاحب اختیار مردمان ساکن در آن می داند.

افزود:

- اگر رفتارِ یک سُلطانِ فرعونِ صفت را با دقت زیر نظر بگیرید، می بینید که، متأسفانه، او، در اثرِ نگرشِ نادرست به هستی، و تصوّراتِ خودمدارانه دربارهٔ جایگاهِ خویش در کائنات، به مردمِ تابعِ امرش، به مثابهٔ یک رَمه، و به کشورِ تحتِ حاکمیتش، همچون یک مُلکِ شخصیِ متعلق به خود می نگرَد.

به همین دلیل، در چشمِ او،

سلطنتِ موروثی، امری طبیعی است!

چون همان به ارث بُردنِ آن مُلک و رَمه است.

ادامه داد:

- ضمناً، هدفِ او از درگیری و نبرد با دشمنانِ داخلی و خارجی اش نیز،

بر خلافِ ادعاهایش،

نه دفاع از مردم، بلکه

تلاش برای تداومِ مالکیتِ خویش بر آن مُلک و رَمه، و حفظِ آن ها در برابرِ تعرضِ سایرین، و یا، در صورت

امکان، دست درازی و چنگ اندازی بر دیگر سرزمین ها و تسلّط بر ساکنانِ آن ها است.

پرسیدم:

<https://yektaparasti.ir/>
<https://yektaparasti.ir/posts/show/138/>

نشانی تارنما
نشانی این نوشته

- حاکمان یک جامعه غریزی حیوانی چند نفر اند؟

چرا شما که قبلاً صحبت از هیئت حاکمه (گروه فرمانروایان) به میان می آوردید، اکنون فقط از یک نفر (شخص فرمانروا) سخن می گوئید.

در پاسخ فرمود:

- هیئت حاکمه در جامعه غریزی حیوانی، همچون هر پدیده دیگر در جهان، در پی بقا و ارتقاء خویش است.

یعنی همواره

می کوشد تا در هستی خویش پایدار بماند و، تا آن جا که می تواند، دامنه قابلیت های خود را گسترش بخشد.

به همین علت،

گروه های کوچک خواهان حاکمیت، برای دستیابی به دیرپایی و توانایی، با یکدیگر ائتلاف می کنند و قوی ترین عضو اتحادیه را به عنوان فرمانروا بر می گزینند.

در طول تاریخ، و تقریباً در تمامی حکومت های ملوک الطوائفی، گزینش امپراتوران و شاهان، و بستن پیمان فرمانبرداری با ایشان، با همین هدف و به همین ترتیب صورت گرفته است.

افزود:

- هیئت حاکمه، با پنهان شدن در پس سپری به نام فرمانروا، می کوشد تا بقای خود را در برابر تهدیدات معاندان و معارضان داخلی و خارجی تضمین کند و، تا حد امکان، بر قدرت خود بیفزاید.

اینان، در این تلاش، با دَستاویزی به نام حِرَاسَت از کشور و ملت در برابر بدخواهان و تجزیه طلبان و دشمنان، تا آن جا که بتوانند، قابلیت ها و معتقداتِ مردم را، به سودِ خود، موردِ سوء استفاده قرار می دهند.

گفتم:

- احساس می کنم که شما، در بدگویی از اشخاصِ اسیرِ غرایزِ حیوانی و حاکمانِ جوامعِ غریزیِ حیوانی، راهِ مُبالغه در پیش گرفته اید!

فرمود:

- خیر. اصلاً!

نه تنها هیچ غُلُو ی در کار نیست بلکه،

عِفَّتِ کلام مانع از آن شده است تا، در تکمیلِ گفته های قبلی ام، بسیاری از مواردِ هَرزِگی و فِسق و فجورِ موجود در لایه پنهانِ زندگیِ پَلشتِ این گونه افراد، و گُسترده گیِ اَبعادِ فَحشایِ رایج در زیر پوستِ این نوع جوامعِ پلید، را بر زبان آورم.

افزود:

- ضمناً، توجه داشته باشید که موضوع صحبت ما، جامعه غریزیِ حیوانی در شکلِ تاریخیِ آن است.

ادامه داد:

- گرچه این شکل از جامعهٔ غریزی حیوانی، با تَوَسُّل به شیوه های آشکارِ خودکامگی، سُلطَةُ خود را بر برخی سرزمین ها، همچنان، حفظ کرده است؛

آن جا که مردمِ خُفْتِه در خوابِ غفلت، هنوز، معنا و ضرورتِ عَدل و آزادی را، به عنوان یک حقِ همگانی، دُرُک نکرده اند؛

اما

در سده های اخیر،

در پی رَجَعَتِ انسان ها به برخی مفاهیم و ارزش های بنیادینِ دینی و اخلاقی،

و در آثَرِ مُبارزاتِ حَماسی و قهرمانانهٔ آزادیخواهان، و مقاومتِ بی باکانه و ظُلَم ستیزانهٔ مردمانِ شیردل،

آن شکلِ بی پرده و صریحِ تاریخی از جامعهٔ غریزی حیوانی، ناگزیر، پای پَسِ نُهاده

و

در درونِ خود، وُلُو به ظاهر، به تقلید از جوامعِ غریزیِ انسانی، برای صُورِ ساختگی و بدَلی از مردمِ سالاری اندک جایی گُشوده است.

گفتم:

- به این ترتیب، کارِ تشخیصِ جوامعِ غریزیِ حیوانی دشوارتر از گذشته شده است.

حال، در امر بررسی انواع جوامع در جهان امروز،

چگونه می توان فهمید که با یک جامعه غریزی حیوانی سر و کار داریم؟

فرمود:

- از آن جا که ویژگی های جامعه غریزی حیوانی و مَشی های رایج در آن، یا بهتر بگوییم، ویژگی ها و مَشی

های هیئت حاکمه آن، بسیار شبیه به خصوصیات و رفتارهای شخص غریزی حیوانی و مُتَنَظِر با آن است؛

پس

هرجا که با شیوع ویژگی ها و رُؤنق و رواج مَشی های اشخاص غریزی حیوانی، در سطح کلی، مواجه

شدید، تردید نکنید که با یک جامعه غریزی حیوانی سروکار دارید.

افزود:

- هیچگاه فریب ادعاهای حاکمان چنین جوامعی را نخورید،

و

اجازه ندهید که اینان در پس افراد و گروه های پیرو غرایز انسانی و یا فطرت گرایان موجود در آن اجتماع،

پنهان شوند و یا پناه بگیرند.

آن آشنا ادامه داد:

هرگز فراموش نکنید که

تنها ملاک تشخیص و قضاوت دربارهٔ واقعیت وجودی یک جامعه، برآیند و برون دادِ کلیِ آن
اجتماع است، نه مُدعیات و مُستثنیات.

ادامه دارد